

## نگاهی به پیشینه کهن‌ترین ارکستر سنفونیک ایران

### ارکستر سنفونیک تهران در پس خاکستر زمان

#### بهمن مه آبادی

ارکستر سنفونیک بلدیه تهران در اوایل سال ۱۳۱۳ به رهبری غلامحسین مین‌باشیان کار خود را آغاز کرد. مین‌باشیان در سال ۱۲۸۶ به کنسرواتوار ژنو رفت و سه سال در آنجا به تحصیل موسیقی پرداخت. سپس در کنسرواتوار برلین، تحصیلات خود را پی‌گرفت و در سال ۱۳۰۹ موفق به دریافت مدال «گوستاو هیلندر» بالاترین مدال کنسرواتوار برلین شد.



اولین برنامه ارکستر سنفونیک بلدیه تهران به رهبری وی در روز جمعه ۱۳ مهر ۱۳۱۳ به مناسبت جشن هزاره



علینقی وزیری

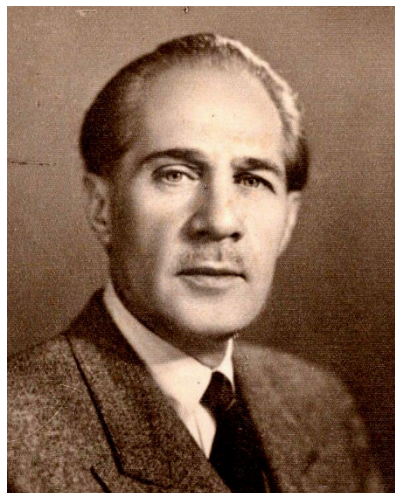


پرویز محمود



غلامحسین مین‌باشیان

فردوسی در سالن نکویی (سینما هما) برگزار شد و دومین برنامه ارکستر در چهارشنبه سوم اردیبهشت سال ۱۳۱۴ به صحنه رفت. با انتخاب مین‌باشیان به ریاست هنرستان موسیقی، ارکستر سنفونیک بلدیة در ۱۳۱۵ منحل و نوازندگان آن در ارکستر هنرستان به فعالیت خود ادامه دادند. با تأسیس اداره موسیقی در وزارت



سرژ خوتسیف



مرتضی حنانه

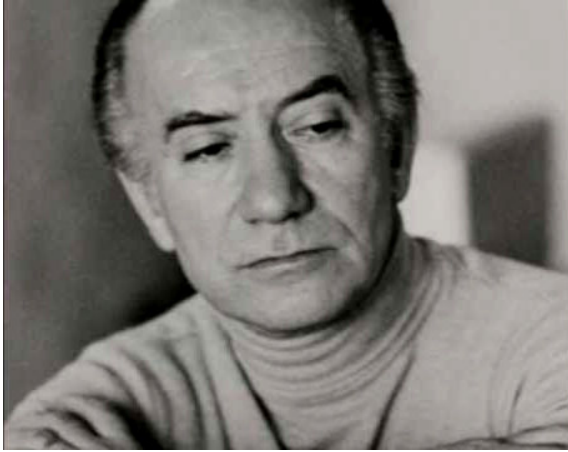


روبیگ گریگوریان

فرهنگ و هنر به ریاست مین‌باشیان، ارکستر «استادان اداره موسیقی کشور» کار خود را آغاز کرد که در اصل ادامه کار و فعالیت ارکستر سنفونیک بلدیة تهران به حساب می‌آمد. محل اجرای برنامه‌های سنفونیک استادان موسیقی، باغ فردوس و سالن مدرسه دارالفنون بود. در ۱۳۱۸ اداره کل موسیقی کشور برای تعلیم و تکمیل کادر نوازندگان ارکستر، ده نفر از استادان موسیقی را از چکسلواکی به استخدام خود درآورد و تعلیمات و آموزش‌ها در رشته‌های موسیقی ویلن، چلو، کلارینت، ابوا، ترمبون، باسون، پیانو، آواز و البته رهبری ارکستر آغاز شد. در این دوران که تا شهریور ۱۳۲۰ به طول انجامید، رودولف اربانس از اهالی چک رهبری ارکستر را به عهده داشت. با خروج استادان موسیقی چک از ایران به همراه اربانس، علینقی وزیری به ریاست اداره موسیقی و هنرستان عالی منصوب شد. در این زمان پرویز محمود<sup>۱</sup> نیز ریاست ارکستر هنرستان را به عهده گرفت، او دانش‌آموخته کنسرواتوار بروکسل بود. ارکستر سنفونیک هنرستان عالی موسیقی در ۲۶ بهمن ۱۳۲۰ در محل سینما تهران به نفع بنگاه حمایت از مادران به رهبری لئون کنی‌پر آهنگساز و رهبر روسی، آثاری را به اجرا گذاشت. با کناره‌گیری پرویز محمود بعد از اجرای چندین کنسرت، سرژ خوتسیف جانشین وی شد.

پرویز محمود درمانده از بی‌برنامگی‌های معمول، دست به کار شگرف و بی‌سابقه‌ای زد و آن تشکیل ارکستری بود که در خانه پدری‌اش به تمرین می‌پرداخت و اغلب اعضای این ارکستر همان نوازندگان سابق ارکستر هنرستان

<sup>1</sup> Parviz Mahmoud



حشمت سنجری

عالی موسیقی بودند که به هیچ تشکیلات رسمی وابسته نبوده و حقوقی هم دریافت نمی‌کردند. نام این گروه غیروابسته و مستقل، ارکستر سنفونیک تهران بود که برنامه‌هایی را در سینما کریستال و دانشگاه تهران اجرا کرد. با انتخاب پرویز محمود به ریاست هنرستان عالی موسیقی در ۱۳۲۵، ارکستر سنفونیک تهران رسماً جایگزین ارکستر سنفونیک هنرستان عالی موسیقی شد و ارکستر هنرستان عالی به رهبری رویک گریگوریان به کار خود ادامه داد. با مهاجرت پرویز محمود به آمریکا در سال ۹-۱۳۲۸ گریگوریان سمت رهبری و ریاست هیئت مدیره ارکستر سنفونیک تهران را تا سال ۱۳۳۰ عهده‌دار شد. اما با مهاجرت او نیز به آمریکا، عملاً ارکستر سنفونیک تهران تعطیل گردید. تا اینکه در سال ۱۳۳۱ روبن صفاریان و سپس مرتضی حنانه<sup>۲</sup>، چوب رهبری ارکستر را به دست گرفتند. در سال ۱۳۳۲ بار دیگر رهبری ارکستر به سرژ خوتسیف سپرده شد که تا سال ۱۳۳۴ ادامه داشت. از مهرماه همین سال حشمت سنجری<sup>۳</sup> به عنوان رهبر سنفونیک تهران کار خود را آغاز کرد ولی او هم در آذرماه ۱۳۳۵ با اجرای آخرین کنسرتش در تالار فرهنگ، راهی آمریکا شد. همزمان با عزیمت سنجری چهار هنرمند موسیقی از کشور اتریش به ایران دعوت شدند و جلای تازه‌ای به ارکستر سنفونیک تهران دادند. "هایمو توپیر" رهبر ارکستر، "هلموت شمیدل" نوازنده هورن، "نوربرت سوس" نوازنده ترومبون و "آنتون کادلتس" نوازنده ابوا به ترتیب اسامی دعوت‌شدگان بودند. سنجری برای ادامه تحصیل از آمریکا به اتریش رفت و در سال‌های غیبت او، رهبری ارکستر سنفونیک تهران به هایمو توپیر واگذار شد. رهبری توپیر از خرداد ۱۳۳۶ تا آذرماه ۱۳۳۹ دوام یافت که با اجرای کنسرت تودیع، چوب رهبری به سنجری سپرده شد که پس از دریافت پایان نامه ممتاز از آکادمی موسیقی وین به تهران بازگشته بود. در سال ۱۳۵۱ و در پی تغییر و تحولات معمول، فرهاد مشکات به سمت رهبر و مدیر هنری ارکستر سنفونیک تهران منصوب شد؛ او پیش از آغاز فرمانروایی

<sup>2</sup> Morteza Hannaneh

<sup>3</sup> Heshmat sanjari

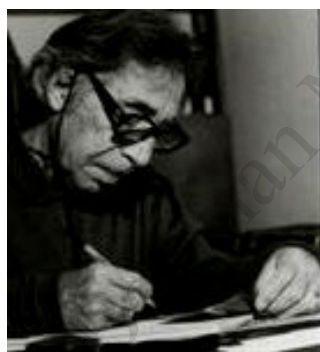


هایمو توپیر



له بامر و تنی چند از اعضای ارکستر سنفونیک تهران

رسمی خود بر سنفونیک تهران، بارها ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون را رهبری کرده بود و با داشتن جایزه بین‌المللی رهبری ارکستر فلورانس برای رهبران جوان و جایزه اول کنکور جهانی دیمتری متروپولیس، گزینه‌ای



فریدون ناصری



فرهاد مشکات



لوریس چکنواریان

مطلوب برای این پست به حساب می‌آمد. دوران فعالیت و رهبری مشکات تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت که در این دوران رهبران مهمان نیز ارکستر را هدایت کردند. از جمله آنان می‌توان به فرشاد سنجری فرزند حشمت سنجری، علی رهبری، لوریس چکنواریان و شخص حشمت سنجری و تعدادی رهبر مهمان خارجی اشاره کرد. در سال ۱۳۵۷ فرهاد مشکات از ایران خارج شد و ارکستر سنفونیک تهران به حالت تعطیل درآمد.



ایرج صهبایی



منوچهر صهبایی



علی رهبری



نادر مرتضی‌پور

سال ۱۳۵۸ حشمت سنجرى بار ديگر به رهبرى ارکستر سنفونيك انتخاب گرديد و سپس آقاىان بيژن قادري و نادر مرتضى پور رهبرى ارکستر سنفونيك تهران را به دست گرفتند تا اينکه دوباره حشمت سنجرى به ارکستر بازگشت. پس از حشمت سنجرى، فريدون ناصري چوب رهبرى ارکستر را بدست گرفت و سال ها در اين مقام باقى ماند. از رهبران مهمان نيز، در اين دوران ارکستر را هدايت کردند، مى توان به منوچهر صهبايى، ايرج صهبايى، على رهبرى، ادو ميچيچ، طالب شهيدى<sup>۴</sup>، شهرداد روحانى<sup>۵</sup>، لوريس چکناواريان، نصير حيدر يان، نادر مشايخى<sup>۶</sup>، له بامر، ماتياس کروگر<sup>۷</sup>، درک گليسون<sup>۸</sup> و نادر مرتضى پور اشاره کرد.



ادو ميچيچ



طالب شهيدى



شهرداد روحانى



نادر مشايخى



درک گليسون



ماتياس کروگر

<sup>4</sup> Tolib Shakhidi

<sup>5</sup> Shahrddad Rouhani

<sup>6</sup> Nader Mashayekhi

<sup>7</sup> Matias Kruger

<sup>8</sup> Derek Gleeson

## احیای ارکستر سنفونیک به تدبیر نیاز دارد

ارکستر سنفونیک تهران یا بهتر بگوییم تنها ارکستر سنفونیک نیمه منسجم ایران، امروزه تعطیل است. چرایی تعطیل شدن این واحد صددرصد فرهنگی، تعمقی را در تاریخچه آن و رویدادهای پیرامونی طلب می‌کند تا احتمالاً بتوان به نتیجه‌ای رسید. ضعف مدیریت غیرمتخصص و رفتار دوگانه هنرمندان متخصص موسیقی آکادمیک، باعث ناامن بودن شرایط داخلی ارکستر در طول تاریخ بیش از هشتاد ساله آن بوده است. گاه تندروری‌های افراطی درون ارکستر، باعث دلسردی هنرمندان ارکستر سنفونیک شده که در نهایت به جذب نیروی خارجی رو کرده تا به حیات افسانه‌ای و خیالی خود ادامه دهد و گاه بی‌برنامگی‌های طولانی‌مدت، جدیت را از محیط ارکستر بیرون رانده است. زمانی با آرمان‌های حُبّابین، مقایسه‌ای بسیار نادرست میان ارکستر سنفونیک تهران با برلین یا وین شده است که در هر شکل و به طور بنیادین غیرقابل مقایسه می‌نماید. چنین تصویری باعث به هم ریختن تعادل نسبی موسیقی سنفونیک شده است.



عده‌ای از اعضای ارکستر سنفونیک و کُر تهران - سال ۱۳۶۷

در مقابل این حرکات تند که گفته‌اند «سنگ بزرگ علامت نزدن است» دوران فترتی فرا رسیده و این بار کندروی، ریشه آن را خشکانده است. نبودن تعادل در رفتار، هرج و مرج را در تاریخ ۸۰ ساله سنفونیک برجسته کرده است. عقل حکم می‌کرد که برنامه‌ریزان سنفونیک بایست یک راه اعتدالی گذر را طراحی و پیش‌رو داشته و آن را با دقت دنبال می‌کردند تا گام‌به‌گام به سوی هدفی والا حرکت کنند، اما عدم شناخت واقعی از نفس موسیقی و ایمان



عده‌ای از اعضای ارکستر سنفونیک تهران

نداشتن به نقش مهم آن در تعلیم و تربیت اجتماعی و جایگاه حقیقی موسیقی ناب، تنها کشتی سنفونیک ایران را در طول تاریخ زندگی‌اش دچار شکستگی کرده است. نداشتن برنامه‌ای مدون برای چرایی و چگونگی سنفونیک تهران، آن را به یک کالای لوکس مبدل کرده که در جشن‌ها و اعیاد بایست به صحنه بیاید، در حالیکه نقش موسیقی چنین چیزی نبوده و نیست. این اتفاق مربوط به دوران اخیر نیست، بارها و بارها موسیقی سنفونیک در طول تاریخ خود چنین اتفاقاتی را شاهد بوده است. نبود پول کافی برای هزینه‌های ارکستر اعم از حقوق هنرمندان، پرسنل و دیگر مقوله‌های اقتصادی مربوطه، می‌تواند یکی دیگر از دلایل از هم پاشیدگی ارکستر سنفونیک باشد.

در دنیای امروز نه تنها دولت‌ها به فرهنگ و هنر هزینه می‌کنند، بلکه طبق قوانین همه کشورهای و از آن جمله کشور ایران، در صورتیکه واحدهای بزرگ اقتصادی، صنعتی و غیره بودجه‌ای را برای فرهنگ و هنر صرف نمایند،



عده‌ای از اعضای ارکستر سنفونیک - سال ۱۳۷۷

از بدهی مالیاتی آنان کسر می‌شود. اما این‌ها اینجا اتفاق نمی‌افتند و تازه واحدهای فرهنگی و هنری هم مالیات پرداخت می‌کنند! سازمان هنری ارکستر سنفونیک، نیازمند منابع مالی است که البته از راه فروش بلیط هرگز تأمین نخواهد شد. ایمان درست و متین برنامه‌ریزان موسیقی می‌تواند راه‌ها را باز کند، اما وقتی دغدغه‌ها جدی نیست مسایل مالی به بدنه خانواده ارکستر منتقل می‌شود و هنرمند کار خود را بی‌ارزش می‌داند، تمرکز از بین می‌رود و هنر شکلی جنبی و غیر لازم پیدا می‌کند، که کوچکترین لرزش در پایه‌های غیراستوار، احتمال فرو ریختن را قوت می‌بخشد. اختصاص بودجه کافی برای موسیقی، جذب سرمایه‌هایی برای حمایت از موسیقی، پذیرفتن اسپانسرهای متعدد برای سرمایه‌گذاری فرهنگی ممکن است از راه‌های حل مسئله باشد. واحدهای



فرهنگی و هنری نه تنها نباید مالیات پرداخت کنند بلکه از سهم مالیاتی هم برای پیشبرد اهداف خود سود جویند، لذا می توان سازمان یک ارکستر را در یک نگاه ساده و آنی به دو قسمت تقسیم کرد که یکی از آن ها همانطور که اشاره شد، واحد مالی است. دومین ستون مهم یک ساختار فرهنگی، مدیریت هنری آن است. چیزی که در ۸۰



ارکستر سنفونیک تهران - سال ۱۳۸۱

سال گذشته از افراط و تفریط رنج برده است. انسجام، تخصص و دوری از تخیل با برنامه‌ای مدون از سوی کسانی که ارتباطی مستقیم با پول، شهرت و قدرت ندارند، می تواند راه‌حلی محسوب شود. این فرد با افراد و آن برنامه مدون منسجم به پرسشی پاسخ خواهد داد که در اول این گفتار به آن اشاره شد. «چه مسیری با کدام آثار برای ارکستر مفید است و راه پیشرفت و توانایی را خواهد گشود» برنامه‌ریزان ارکستر چون رهبران جامعه، آگاهانه نقشه راه را طرح می‌کنند و در مسیری مطمئن به حرکت در می‌آیند و ایمان دارند که: موسیقی برای به تعادل رساندن روح انسان‌ها مفید است. موسیقی در آرام کردن تنش‌های اجتماعی نقش مؤثری دارد. موسیقی از خشونت‌های

جامعه می‌کاهد و رفاقت، عطوفت و گذشت را تقویت می‌کند. موسیقی یک کالای تبلیغاتی نیست. موسیقی برخلاف تصور عده‌ای، هیچ حزب و گروهی را نمی‌تواند تبلیغ کند و قادر به ابلاغ پیام خاصی هم نیست. موسیقی با علوم



ارکستر سنفونیک تهران - سال ۱۳۸۱

در ارتباط است و از ریاضیات سیراب می‌شود و خود زمینه‌های ارتباط با دیگر علوم را برقرار می‌کند و چون از عامل ریتم، ملودی و هارمونی سود می‌برد، ریتم را وارد زندگی روزمره می‌کند و هماهنگی را در جامعه بالا می‌برد و از افراط‌گرایی‌های معمول مثل سرعت در رانندگی، مواد مخدر، الکل و غیره می‌کاهد. پس در صورتیکه به خود مقوله موسیقی بدون رنگ و عطر خاص نظر کنیم، بسیاری از هنجارها بار دیگر به جامعه بر می‌گردد و این پیام را به ما می‌دهد که نمی‌توان با سفارش قطعاتی با نام‌های پرطمطراق چیزی را در شنونده القا کرد. برداشت از موسیقی و هنر به عهده مخاطب است و هرکس تفسیر خود را خواهد داشت، لذا صرف هزینه‌های هنگفت برای آثاری که بسیار زود فراموش می‌شوند تنها اتلاف وقت و انرژی است که «آزموده را آزمودن خطاست».

**موسیقی در آرام کردن تنش‌های اجتماعی نقش مؤثری دارد. موسیقی از خشونت‌های جامعه می‌کاهد و رفاقت، عطوفت و گذشت را تقویت می‌کند. موسیقی یک کالای تبلیغاتی**

نیست. موسیقی بر خلاف تصور عده‌ای، هیچ حزب و گروهی را نمی‌تواند تبلیغ کند و قادر به ابلاغ پیام خاصی هم نیست.



ارکستر سنفونیک تهران - سال ۱۳۸۱

در دوران مدرن مشاغل مدرن نیز ظهور می‌کنند. موسیقی اگرچه تاریخی بسیار طولانی دارد، اما امروزه به عنوان یک شغل غیرسنتی و نه از انواع اقتصادی و پول‌ساز که از جنس معنوی و فرهنگ‌ساز در جهان مطرح است، هم چنانکه تأثر و سینما و دیگر هنرها نیز اینگونه‌اند. پس در مقابل شغل معنوی موسیقی در انواع زیر مجموعه‌های هنر موسیقی باید تدبیر کرد و آن را به رسمیت شناخت و در برابر پرداخت حقوق و دیگر ملزومات، انتظار خاصی نداشت. نهال فرهنگ رشد عادی و طبیعی خود را داراست و با اجبار و سفارش ارتباطی ندارد. بنابراین شغل خوانندگی، نوازندگی، رهبری و دیگر گرایش‌های مربوط به موسیقی را باید جدی تلقی کرد و به آن‌ها احترام گذاشت و نه پنداشت که «عده‌ای می‌آیند و ساز می‌زنند و پول هم می‌خواهند!» این شغل آن‌هاست و ما با دایر کردن مدارس موسیقی و رشته‌های دانشگاهی آن‌را به هر حال به رسمیت شناخته‌ایم و چون اینگونه است، سلیق شخصی یا نگاه‌های سنتی کهن را باید دور بریزیم. موسیقی جدا از شکل معنوی خود یک شغل است و صاحب آن مثل همه انسان‌ها نیازهای هم‌تاهای خود را داراست و چون شغل معنوی‌ست نیاز به تعمق، تفکر، تمرین و ممارست‌های بسیار دارد و ساعت‌های متمادی طولانی در سال‌های جاری عمر فردی را که خود را هنرمند می‌داند

به خود اختصاص می‌دهد و ساز زدن و تمرین در خلوت هنرمند، نه تنها راز و نیاز، جستجو و آموختن که ریاضتی بزرگ است و هنرمند را به معراج می‌برد. پس، از اینکه بینیم کسی ساعت‌ها با تمرینات سخت خود را بالا می‌کشد تا تأثیر بگذارد، صفت بیکار یا فراری از کار را به او ندهیم که او پرکارتر از همه کسانی است که می‌اندیشند، کار مفیدی انجام می‌دهند. موسیقی هم‌چون علم زمان، تداوم، پشتکار و حمایت می‌خواهد تا راه بر تیرگی‌های معمول



عده‌ای از اعضای ارکستر سنفونیک و گُر تهران - سال ۱۳۶۷

بیند. در ۸۰ سال گذشته مقولات روانی هنرمندان موسیقی نادیده گرفته شد. فرصت‌های آنان به بطالت گذشت و این ضایعه، قدیمی‌ترین ارکستر خاورمیانه را نیز سرانجام از پای در آورد. خودی‌های هنرمند همدیگر را کوبیدند تا به مقامات بالاتر دست یابند غافل از اینکه هنر بالاترین مقامات است و «هنرمند هر جا رود قدر بیند و در صدر نشیند». یکی از وظایف مدیریت هنری ارکستر، حمایت روانی از هنرمندان موسیقی است که در ۸۰ سال گذشته یعنی از بدو تولد ارکستر تا پایان آن، گویی به عمد یا سهو نادیده گرفته شده است. مدیر هنری نقشه راه را ترسیم



ارکستر سنفونیک تهران

کرده و به اجرا در می‌آورد و امروزه در جهان این یک تخصص دانشگاهی به‌شمار می‌رود، همچنانکه یک پزشک متخصص جریان مربوط به تخصص خود را پی می‌گیرد، متخصصین موسیقی هم در جایگاه‌های خود، راه مشخص را می‌پیمایند و از موازی‌کاری دوری می‌کنند. رهبری ارکستر یک تخصص است که بالغ بر ۱۵۰ سال سابقه آکادمیک دارد و در دانشگاه‌های معتبر جهان تدریس می‌شود. در ایران همه می‌توانند چوب رهبری ارکستر را در دست بگیرند و هر کاری که می‌خواهند بکنند! لذا بسیاری از کسانی که حوصله کار جدی موسیقی را ندارند یک شبه رهبر ارکستر می‌شوند و بلایی بر سر ارکستر می‌آورند که آن سرش ناپیدا است. بطور کلی شغل موسیقی یک جریان بسیار وقت‌گیری است که گاه تمام عمر انسان برای آن کوتاه به نظر می‌رسد. اما از هنرمند بهتران، وقت خود را در جلسات متعدد، صرف کارهای غیر لازم می‌کنند و به دیگران هنرمند، نصایح به درد نخوری را ارائه می‌دهند. در حالیکه خود پیش خود می‌دانند راه و روش‌هایشان ناصحیح و از روی سلیقه شخصی یا عداوت است و چون نیک بنگریم با برچیدن بسیاری از پست‌های غیر لازم در حوزه موسیقی می‌توان آب رفته را به جوی بازگرداند و کار و فعالیت موسیقی سنفونیک را رونق داد. ارکستر سنفونیک تهران از تمام این بیماری‌ها رنج برده است. در ۸۰ سال زندگی این ارکستر، خواسته یا ناخواسته بر آن جفا شده است. شوراهای مختلف، رهبران کارناבלد و برنامه‌ریزان خوب یا بد همه‌وهمه موضوع را پیچیده کرده‌اند و امروزه ارکستر سنفونیک بیمار، در کما فرورفته است.

چه باید کرد؟!